

Content Analys Of The Cultural Activities In
The Secondary Education Based On National
And Relious Simbls

Leila Darvishi, Parvin Ahmadi

¹ MA Of Management and Education Planning, Al-Zahra University, Tehran, Iran

² Assistant Professor Of Management and Education Planning, Al-Zahra University,

Tehran, Iran

Abstract

The present study was conducted with the aim of understanding the pedagogical activities in high school level in terms of the impact on formation and strengthening the national and religious identity of the teens. For this purpose by using descriptive methods and techniques of content analysis, the pedagogical and religious approved programs for high school in 2011 academic year in relation to religious and national identity symbols were analyzed. The study population comprised all pedagogical programs approved by the Ministry of Education's Deputy. The Quranic Atmosphere Office and the Art and Cultural Office selected for the analysis most likely due to pedagogical programs. The results showed that these programs with the goal of identity of the teenage generation were focused on the symbols of national and religious identity. Although, they were not balanced and have gained the most attention in the fields of national components, symbols of territorial defense, flag, national anthem, poetry and literature. The programs related to national holidays were also limited to the Fajr decade and the anniversary of the liberation of Khorramshahr. The attention level to monuments and historical symbols and Iranian clothes were limited too. In the field of the symbols of religious identity (reflecting the religious values in a religious community) had gained more effects and prominence in comparison with the symbols of national identity. In these applications, the high school pedagogical programs showed the most attention to the Holy Qur'an, obligatory religious rituals, sacrifice and martyrdom. In total, the data indicated more attention of pedagogical programs to religious values compared with the national values.

Keywords: High school level, Pedagogical programs, Deputy of education, National identity, Religious identity

تحلیل محتوای برنامه‌های فرهنگی دوره
متوسطه بر اساس نمادهای ملی و مذهبی

لیلا درویشی، پروین احمدی*

دانش آموخته کارشناسی ارشد مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران

استادیار گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناخت فعالیت‌های فرهنگی دوره متوسطه از حیث تأثیرگذاری بر شکل‌گیری و تقویت هویت ملی و مذهبی نوجوانان انجام گرفت. بدین منظور، با بهره‌گیری از روش توصیفی و تکنیک تحلیل محتوا، برنامه‌های مصوب فرهنگی و مذهبی دوره متوسطه در سال تحصیلی ۱۳۹۰ مرتبط با نمادهای هویت ملی و مذهبی تجزیه و تحلیل شد. جامعه مورد مطالعه، کلیه برنامه‌های فرهنگی مصوب معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش را دربرمی‌گیرد. پژوهشگر در این پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند دفتر فضا سازی قرآنی و دفتر فرهنگی - هنری را به دلیل احتمال بیشتر برنامه‌های فرهنگی جهت تحلیل انتخاب نمود. ابزار گردآوری داده‌ها کلیه اسناد و مدارک مربوط به برنامه‌های فرهنگی دوره متوسطه در دو دفتر مزبور است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که این برنامه‌ها با هدف هویت بخشی به نسل نوجوان به نمادهای هویت ملی و مذهبی توجه می‌نماید. اما این توجه متوازن و متعادل نیست. در حیطه مؤلفه‌های ملی، نمادهای دفاع از سرزمین، پرچم، سرود ملی و شعر و ادب بیشترین توجه را به دست آورده است. برنامه‌های مربوط به جشن‌های ملی نیز محدود به دهه فجر و سالروز آزادسازی خرمشهر شده است. همچنین میزان توجه به نمادهای آثار و بناهای تاریخی، لباس ایرانی محدود و مقطعی است. در حیطه مؤلفه‌های مذهبی، نمادهای هویت دینی که انعکاس دهنده ارزش‌های دینی در یک جامعه مذهبی است، جلوه و برجستگی بیشتری در مقایسه با نمادهای هویت ملی در این برنامه‌ها داشت. برنامه‌های فرهنگی دوره متوسطه بیشترین توجه را به کتاب آسمانی (قرآن مجید)، مناسک مذهبی واجب، ایثار و شهادت نشان دادند. در مجموع، داده‌ها بیانگر توجه بیشتر برنامه‌های فرهنگی به ارزش‌های مذهبی در مقایسه با ارزش‌های ملی است.

واژگان کلیدی: دوره متوسطه، فعالیت‌های فرهنگی، معاونت پرورشی، هویت ملی، هویت مذهبی

مقدمه

هویت ملی و مذهبی به عنوان مهمترین دستاورد فرهنگ، در سالیان اخیر، جایگاه ویژه‌ای در پژوهش‌ها به دست آورده است. به گزارش سازمان ملی جوانان (۱۳۸۶)، نتایج حاصل از جمع‌آوری و بررسی آماری و تحلیلی پژوهش‌هایی که در زمینه هویت نوجوانان و جوانان توسط این سازمان انجام گرفته است، حاکی از ظهور و پیدایش مشکلاتی اساسی در ساختار روانی، رفتاری و اجتماعی نوجوانان و جوانان است. فراموشی تمدن درخشان ایرانی و عدم شکل‌گیری هویت ملی و ضعف بنیه مذهبی زمینه ساز ایجاد تردید در خودباوری دانش‌آموزان شده، ضعف در توجه به فرهنگ اصیل ایرانی از علل جذب دانش‌آموزان به فرهنگ بیگانه بوده است. لذا یکی از ضروریات توجه به شکل‌گیری هویت ملی و مذهبی در دهه‌های اخیر، طرح مقوله «جهانی شدن» است. در این پدیده که مردم در دوران معاصر با آن روبه‌رو هستند، فرهنگ مهاجم غرب با استفاده از ویژگی‌های پر جاذبه و شگردهای تبلیغی روان‌شناسانه سعی در فروپاشی نظام اعتقادی و فکری نسل جوان داشته است و از طریق تهی ساختن آنان از درون، زمینه جذب آنان را به مبانی فرهنگی بیگانه فراهم می‌آورد (لطف آبادی، ۱۳۸۰). یکی از تنگناهای موجود که منجر به مشکلات فرهنگی شده، به تبع آن هویتی برای افراد ایجاد گشته است، نتیجه نبودن سیاست‌گذاری در عرصه فرهنگ و عدم شناسایی پتانسیل‌های موجود در راستای جامعه‌پذیر نمودن افراد و متعهد کردن آنان به ارزش‌ها و میراث فرهنگی است. این در حالی است که برنامه ریزی از ایجاد تعارض و تناقض در برنامه‌ها و در نتیجه سرگشتگی هویتی نسل نوجوان و جوان جلوگیری می‌نماید (جوادی، ۱۳۸۴).

فرایند تشکیل هویت به عنوان یک مقوله مهم و اساسی متأثر از عوامل مختلفی است که می‌توان به نقش خانواده، آموزش و پرورش، رسانه‌های ارتباط جمعی و نخبگان اشاره نمود. از آنجا که دانش‌آموزان بیشترین وقت خود را پس از خانواده در مدرسه می‌گذرانند و تربیت یکنواخت و واحدی، صرف نظر از تفاوت فرهنگی و طبقاتی خانواده‌ها در مدارس انجام می‌گیرد، لطف آبادی (۱۳۸۰) بر اهمیت نقش مدرسه، مربیان، معلمان، برنامه درسی و فعالیت‌های

اجتماعی و فرهنگی مدرسه در شکل‌گیری هویت نوجوانان تأکید نموده است. یکی از دلایل نقش آموزش و پرورش در شکل‌گیری هویت و کسب بینش در دانش‌آموزان، مداخله و مشارکت ایشان در طراحی و ارائه برنامه‌هایی است که با محتوای فرهنگی و دینی عرضه می‌شود. بنابراین هر چه در این نظام، دانش‌آموزان مشارکت بیشتری در فعالیت‌های فرهنگی و فوق برنامه داشته باشند، از طریق میثاق اجتماعی در امور مدرسه، بسترهای لازم جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری ایشان فراهم می‌گردد و از نیروی فکری، ذهنی، جسمی، و خلاقیت آنها استفاده لازم به عمل می‌آید که موجب افزایش مسؤولیت‌پذیری، احساس تعلق و تقویت حس اعتماد به نفس آنان در آینده می‌شود (سلطانی، ۱۳۸۱).

از آنجا که رسالت آموزش و پرورش در هر کشوری تربیت نوجوانان و جوانانی است که باورها، گرایش‌ها و تمایلات لازم برای پیشرفت و توسعه پایدار آن جامعه در تمام ابعاد فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی داشته باشند؛ لذا باید امکانات، عوامل و برنامه‌های مختلف را برای تحقق این امر بسیج نمود. اهمیت محتوای فعالیت‌های فرهنگی در مدارس در کنار اهمیت تعامل، ارتباط و مشارکت دانش‌آموزان در اجرای این برنامه‌ها موجب ایجاد انگیزه و طرح پرسش‌های مهم در زمینه اعتقادات مذهبی و فرهنگی می‌گردد. اهمیت محتوا در برنامه‌های طراحی شده از آن جهت است که به ابهامات، سؤالات و علایق نوجوان پاسخ می‌دهد و دارای نقش تربیتی است. بر اساس نظر اولسون (۱۳۸۰)، از آنجا که نمایش و عرضه نمادها عکس العمل‌های متفکرانه را در مخاطب و بیننده ایجاد می‌نماید، لذا در برنامه‌های مدارس به کارگیری نمادها روشی جهت تفکر انتقادی در دانش‌آموزان است؛ ابزاری که می‌تواند فرایند هوشیارسازی فراگیران را فراهم آورد. برنامه‌های مدارس باید فرصت‌های تعاملات اجتماعی را فراهم سازند و در این نوع برنامه‌ها دانش‌آموزان به فهم غنای سنت‌های فرهنگی نیاز دارند (سلطانی، ۱۳۸۱).

در نهاد آموزش و پرورش فعالیت‌های فوق برنامه مدارس با گرایش فرهنگی و تربیتی نقش مهمی در شکل دهی و انسجام هویت نوجوانان ایفا می‌نماید. آنچه ضرورت

شناسی مورد بررسی قرار داد و میان آنها ارتباط برقرار نمود. در حیطه جامعه‌شناسی هویت به معنادراری جامعه تعریف می‌شود. یعنی جامعه معنایی برای خودش قائل باشد و در چارچوب آن عمل کند که در صورت از دست دادن این معنا به هر دلیل، با گسستگی در معنادراری یا بحران هویت روبه‌رو خواهد شد (رجایی، ۱۳۷۵). به طور کلی هویت بر اساس ۲ نوع کلی تفکیک می‌شود. ۱) هویت فردی که معمولاً در تعریف روان‌شناسی هویت بدان پرداخته می‌شود و هویت جمعی که در تعریف جامعه‌شناسی هویت مورد بررسی قرار می‌گیرد. بر این اساس هویت ملی به عنوان زیرمجموعه‌ای از هویت جمعی بر حوزه‌های فراوانی سایه افکننده و تأثیرگذار است. هویت مذهبی نیز به عنوان نوعی از هویت جمعی نقش مهمی در ایجاد وحدت، انسجام و تحقق ایدئولوژی‌های یک مکتب و یا حکومت داشته است (میرمحمدی، ۱۳۸۳). تعاریف گوناگونی برای هویت ملی و مذهبی ارائه شده است. اسمیت (۱۳۸۳) هویت ملی را بازتولید و بازتفسیر دائمی ارزش‌ها، نمادها و سنت‌ها می‌داند. در تعریف دیگر، هویت ملی عبارت است از احساس تعلق و تعهد اعضای جامعه‌ای که در یک قلمرو جغرافیایی مشخص زندگی می‌کنند نسبت به رموز و نمادهای فرهنگی شامل هنجارها، ارزش‌ها، زبان، دین، ادبیات و تاریخ که در نتیجه موجب تمایز آن از دیگر جوامع و نیز انسجام و همبستگی اجتماع بزرگ ملی می‌شود (یوسفی، ۱۳۷۹). هویت دینی نیز نوعی از هویت جمعی است که در بر گیرنده باورها، ارزش‌ها و اعتقادات دینی باشد، به گونه‌ای که فرد به یک سری اصول و عقاید دینی دست یابد و جزئی از شخصیت او گردد تا جایی که زمینه عمل را برای او فراهم آورد (شارع پور، ۱۳۸۳).

صاحب نظران مختلف در مورد ابعاد و عناصر هویت ملی و مذهبی دیدگاه‌های گوناگونی را بیان داشته‌اند. برخی از مهمترین ابعاد هویت ملی عبارت است از بعد اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، زبانی، تاریخی و دینی (حاجی خیاط، ۱۳۷۹). مهمترین ابعاد هویت دینی نیز شامل بعد اعتقادی، اعمال دینی، تجربی، پیامدی و دانش دینی می‌شود (طالبان، ۱۳۸۰).

پژوهش حاضر را مورد تأکید قرار داده است، جایگاه مهم فعالیت‌های فرهنگی فوق برنامه در پرورش هویت ملی و مذهبی نوجوانان است. در تأیید دیدگاه اسماعیلی (۱۳۸۱) که معتقد است، فعالیت فرهنگی، تربیتی و اجتماعی برای تولید، بهره برداری و انتقال معانی و نمادها و با هدف ارتقای معنوی صورت می‌گیرد و از سوی دیگر، پژوهش‌چندانی در زمینه جایگاه هویت ملی و مذهبی در فعالیت‌های فرهنگی مدارس صورت نگرفته است، انجام پژوهش حاضر ضرورت می‌یابد. همچنین برخی از پژوهش‌ها (بهالو، ۱۳۸۸)، ضرورت توجه به تربیت هویت ملی را از طریق فعالیت‌های فرهنگی فوق برنامه مدارس، به دلیل کم توجهی دروس به این مقوله، مورد تأکید قرار داده‌اند. به اعتقاد نگارنده همه رسانه‌ها به یک اندازه قابلیت تأثیرگذاری فرهنگی بر قشر مخاطب را نخواهد داشت. در آموزش و پرورش نیز محتوای کتاب‌های درسی تا حدودی می‌تواند انعکاس دهنده باورها، ارزش‌ها و فرهنگ باشد. لذا باید از تمام امکانات و ظرفیت‌های موجود در راستای فرهنگ سازی و تربیت نسل جوان بهره گرفت. از آنجا که محتوای فعالیت‌های فرهنگی موجب ایجاد انگیزه و طرح پرسش‌های مهم در زمینه اعتقادات مذهبی و فرهنگی نوجوانان می‌گردد و به کارگیری نمادها روشی جهت تفکر انتقادی و هوشیارسازی مخاطبان است. بنابراین باید نقش پرورشی و تربیتی آموزش و پرورش را از حیث برنامه‌های فرهنگی - تربیتی ارائه شده، بیش از پیش مورد توجه قرار داد و نسبت به استفاده صحیح از امکانات و قابلیت‌های معاونت پرورشی که متولی فعالیت‌های فرهنگی مدارس است، در راستای هویت بخشی به نسل جوان بهره گرفت. شایان ذکر است که نتایج کاربردی پژوهش با چنین موضوعاتی امکان شناسایی و تجزیه و تحلیل نقاط ضعف و قوت نهاد آموزش و پرورش را منعکس می‌سازد، که استفاده از نتایج آن خالی از لطف نخواهد بود.

یکی از مفاهیم عمیق فرهنگ که نقش بسیار مهمی در شناسایی و تعیین مسیر حرکت یک جامعه و مسیر زندگی افراد به ویژه نسل جوان ایفا می‌نماید، هویت است. هویت به عنوان یک مفهوم بین رشته‌ای مطرح است و می‌توان آن را از منظر حوزه‌های مختلف از جمله روان‌شناسی و جامعه

اساس منشور وظایف حوزه معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش، برنامه ریزی و سیاست گذاری فرهنگی و مذهبی در مدارس بر عهده این حوزه است. یکی از ضروریات در فعالیت‌های فرهنگی مدارس و تحقق تأثیر اجرای این فعالیت‌ها بر مخاطبان (دانش‌آموزان)، متناسب بودن این برنامه با نیاز دانش‌آموزان با توجه به شرایط فعلی جامعه است. تحقق اهداف فرهنگی و تربیتی مستلزم داشتن طرح و برنامه بر اساس نیاز نوجوانان است و اولین و مهمترین گام، برنامه ریزی مبتنی بر نیازسنجی است (خراسانی، ۱۳۸۰). جوادی (۱۳۸۴) نیز مهمترین تنگنای موجود در عرصه فرهنگ را فقدان برنامه ریزی و طراحی برنامه‌های همراه با محتواهای جدید و جذاب عنوان نموده است.

در شرایط کنونی که مرزهای جهانی کنار رفته است و صحبت از دهکده جهانی است، در کنار رشد و توسعه تکنولوژی، توجه به اهمیت سیاست گذاری‌های فرهنگی، شناسایی ابزارها و پتانسیل‌های موجود جهت ارائه اطلاعات فرهنگی اعم از دینی، ملی و سیاسی است که موجبات آشنایی با فرهنگ خودی و مقایسه آن با فرهنگ بیگانه را در مخاطب فراهم می‌آورد. هر چه جذابیت در شیوه ارائه و محتوای عرضه شده فرهنگ بیگانه بیشتر باشد گرایش به ارزش‌های آن نیز افزایش می‌یابد (لطف آبادی، ۱۳۸۰). معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش ایران متولی فعالیت‌های فوق برنامه فرهنگی است. در سایر نظام‌های تربیتی کشورهای مختلف نیز به این فعالیت‌ها توجه ویژه‌ای می‌شود. به ویژه آن که در برخی از نظام‌های تربیتی همچون آموزش و پرورش کشور ایران، برنامه‌ها و فعالیت‌های فوق برنامه با جهت‌گیری‌های فرهنگی و ایدئولوژیکی انجام می‌گیرد. یکی از وظایف اساسی دستگاه‌های فرهنگی و از جمله آموزش و پرورش هر کشوری سیاست گذاری فرهنگی متناسب با وضعیت موجود در جامعه است. یکی از ضروریات در فعالیت‌های دستگاه‌های فرهنگی و تحقق تأثیر اجرای این فعالیت‌ها بر مخاطبان متناسب بودن این برنامه با نیاز ایشان و با توجه به شرایط فعلی جامعه است (خراسانی، ۱۳۸۰).

یکی از مهمترین تنگنای موجود در عرصه فرهنگ که منجر به مشکلات فرهنگی شده، به تبع آن هویتی برای

نمادهای هویت ملی و مذهبی از طریق شناسایی این ابعاد قابل استخراج و استناد است. مهمترین نمادهای هویت ملی در این پژوهش شامل پرچم، سرود ملی، دفاع از سرزمین، جشن‌های ملی، آثار و بناهای تاریخی، لباس ایرانی، هنر ایرانی، شعر و ادب و نخبگان است (میرمحمدی، ۱۳۸۳). نمادهای هویت مذهبی مورد پژوهش نیز عبارتند از: قرآن (کتاب آسمانی)، مناسک مذهبی واجب (نماز و روزه)، سنت (احادیث)، مناسک مذهبی مستحب (دعا و نیایش)، مراسم مذهبی، اماکن مذهبی، انتظار، ایثار و شهادت، احکام. منبع استخراج این نمادها بر اساس ابعاد پنج‌گانه هویت دینی است که ابعاد اعتقادی، دینی، تجربی، پیامدی و دانش دینی را در بر می‌گیرد و توسط طالبان (۱۳۸۰) مطرح شده است. این نمادها، با ایجاد عکس العمل‌های متفکرانه در گیرندگان آن، زمینه شناخت و بینش را برای افراد و در نتیجه تعلق و تعهد بدان‌ها را فراهم می‌آورد (اولسون، ۱۳۸۰). بنابراین در برنامه‌های مدارس به کارگیری نمادها، روشی برای تفکر انتقادی در دانش‌آموزان است؛ ابزاری که می‌تواند فرایند هوشیارسازی فراگیران را فراهم سازد. برنامه‌های فرهنگی مدارس باید با طراحی جذاب محتوا، فرصت‌هایی را مهیا کند تا در این نوع برنامه‌ها، دانش‌آموزان به فهم غنای سنت‌های فرهنگی دست یابند. فعالیت فرهنگی و تربیتی به عنوان فعالیت اجتماعی، جهت تولید و بهره برداری از انتقال معانی و نمادها و با هدف ارتقای معنوی صورت می‌گیرد. این فعالیت‌ها را می‌توان در قالب فعالیت‌های مذهبی، اجتماعی، ورزشی، هنری و تفریحی طبقه بندی نمود (سلطانی، ۱۳۸۱).

شکل‌گیری صحیح هویت مستلزم ارائه داده‌ها و اطلاعات مرتبط با فرهنگ، اعم از مذهب و ملیت به افراد است. اگر نسل نوجوان و جوان به خوبی در معرض ارزش‌ها، آیین و دستاوردهای ملی و مذهبی خویش قرار نگیرند یا به عبارتی فرهنگ خویش را در نیابند با هر وزشی از سوی فرهنگ‌های بیگانه نسبت به فرهنگ خود شکسته و از خود بیگانه می‌شوند. یکی از وظایف اساسی دستگاه‌های فرهنگی و تربیتی و از جمله آموزش و پرورش سیاست گذاری فرهنگی متناسب با وضعیت موجود در جامعه است. بر

علاوه بر ارائه بینش، توجه به مقوله تعادل در سه اصل ملیت، مذهب و غرب عامل مهمی در حفظ دستاوردهای فرهنگی، ارزش‌های مذهبی و نیز پذیرش ارزش‌های غربی (تجدد) که با فرهنگ خودی تنطابق دارد، است (میرمحمدی، ۱۳۸۳). متأسفانه بسیاری از پژوهش‌های انجام شده بیانگر عدم تعادل در سه منبع ذکر شده است. به گفته منادی (۱۳۸۳) یکی از مهمترین مشکلات هویتی جامعه ایرانی در نقصان توجه منطقی و متعادل به این سه عنصر است. البته باید گفت که در تاریخ صد ساله معاصر ایران، این انحراف و عدم تعادل در عناصر و عوامل تغذیه کننده فرهنگ که در واقع همان ملیت و مذهب و غرب است، مشاهده شده است. نتیجه این انحراف و عدم تعادل‌ها در اندیشه‌های افراد، اعم از روشنفکران غرب زده، مذهبیون افراطی و ملی گرایان مشاهده می‌شود (گروه تحقیقات سیاسی اسلام، ۱۳۸۰). در میان پژوهش‌هایی که جایگاه هویت ملی و مذهبی در برنامه‌های درسی متوسطه را از طریق بررسی و تحلیل محتوای کتاب‌های درسی مورد تبیین قرار داده است، می‌توان به صادق زاده (۱۳۸۶) و شمشیری و نوشادی (۱۳۸۶) اشاره نمود. در حیطه فعالیت‌های فرهنگی مدارس مرتبط با هویت، پژوهش‌های چندانی صورت نگرفته است. مهمترین پژوهش در این زمینه که تقریباً شبیه به پژوهش فعلی است، توسط ملاصادقی (۱۳۷۸) با عنوان «نقش فعالیت‌های فرهنگی مدارس در شکل دهی هویت ایرانی دانش‌آموزان»، انجام شده است. طبق نتایج اعلام شده، در بخش فعالیت‌های فرهنگی مدارس به ابعاد دینی و مذهبی هویت بسیار توجه شده است. در حالی که از ابعاد دیگر مانند جشن‌های ملی و آثار و بناهای تاریخی سیار غفلت شده است. شمشیری و نوشادی (۱۳۸۶) در پژوهش خود با عنوان «بررسی میزان برخورداری کتب فارسی، تاریخ و تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی تحصیلی از مؤلفه‌های هویت ملی» نشان داده‌اند که غلبه و استیلا بعد مذهبی بر سایر ابعاد هویت ملی وجود داشته است. در حالی که سایر ابعاد هویت ملی مانند خرده فرهنگ‌های ملی، اسطوره‌های ملی، هنرهای ملی و تعاملات بین‌الملل در حد بسیار نازلی مورد توجه بوده است. شاه‌سنی (۱۳۸۶) نیز در یافته‌های پژوهشی خود گزارش

افراد ایجاد گشته است، نتیجه فقدان سیاست گذاری در عرصه فرهنگ و عدم شناسایی پتانسیل‌های موجود در راستای جامعه پذیر نمودن افراد و متعهد نمودن آنان به ارزش‌ها و میراث فرهنگی است. این در حالی است که برنامه ریزی و سیاست گذاری از ایجاد تعارض و تناقض در برنامه‌ها و در نتیجه سرگشتگی هویتی نسل نوجوان و جوان جلوگیری می‌نماید (اسماعیلی، ۱۳۸۱).

امروزه نمی‌توان جوانان را صرفاً با داشتن ارزش‌ها و میراث کهن متعهد ساخت. تفسیر صحیح فرهنگ ملی و نحوه نمایش و عرضه آن عامل مهمی در ایجاد علاقه و گرایش نسل جوان به آن است. بنابراین آنچه که ضرورت می‌یابد توجه به توسعه فرهنگی در بعد کیفی، شامل تقویت هویت دینی و ملی، پاسداری از آداب و رسوم زمان، ارزشها و میراث فرهنگی غیر مادی است. باید توجه داشت که برنامه ریزی و سنجش میزان موفقیت برنامه‌ها در توسعه فرهنگی بر مبنای هویت ملی و مذهبی به دلیل ماهیت کیفی شاخص‌ها بسیار دشوار است (جوادی، ۱۳۸۴). بر اساس منشور وظایف حوزه معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش، برنامه ریزی و سیاست گذاری فرهنگی و مذهبی در مدارس بر عهده این حوزه است. یکی از ضروریات در فعالیت‌های فرهنگی مدارس و تحقق تأثیر اجرای این فعالیت‌ها بر مخاطبان (دانش‌آموزان)، متناسب بودن این برنامه با نیاز دانش‌آموزان با توجه به شرایط فعلی جامعه است. تحقق اهداف فرهنگی و تربیتی مستلزم داشتن طرح و برنامه بر اساس نیاز نوجوانان است و اولین و مهمترین گام، برنامه ریزی مبتنی بر نیازسنجی است (خراسانی، ۱۳۸۰). جوادی (۱۳۸۴) نیز مهمترین تنگنای موجود در عرصه فرهنگ را فقدان برنامه ریزی و طراحی برنامه‌ها همراه با محتواهای جدید و جذاب عنوان نموده است.

اغلب صاحب‌نظران معتقدند که توسعه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و تحقق اهداف ملی و حکومتی متأثر از وجود جوانانی متعهد و با هویت است (میرمحمدی، ۱۳۸۳). در این میان، نظام تعلیم و تربیت در کنار عوامل مختلف مانند رسانه‌ها و خانواده عامل مهمی در ارائه این بینش و شناخت است.

عملکردی و اخلاقی در نوجوانان به دست آمده است. آذر (۱۳۷۹) نیز در پایان‌نامه خود با عنوان «میزان انطباق برنامه‌ها با اهداف پرورشی از دیدگاه مدیران، مربیان پرورشی و دانش‌آموزان» اشاره نموده است که مهمترین هدف نظام تربیتی مدارس غنی سازی اوقات فراغت دانش‌آموزان در راستای تربیت اخلاقی و فرهنگی است که در پژوهش انجام شده کمترین توجه را به دست آورده و بیشترین انطباق این برنامه‌ها با هدف پاسخ‌گویی به نیازهای جسمی و تفریحی دانش‌آموزان است. بر اساس یافته‌های بگلو و ادهم (۱۳۷۲) انجمن‌ها و کلوپ‌های فرهنگی و هنری موجب رشد و بالندگی، تربیت روحیه جمع‌گرایی و گرایش به فعالیت‌های گروهی، ایفای نقش مثبت و سازنده، غنی سازی اوقات فراغت، رشد مشارکت دانش‌آموزان در برنامه ریزی و اجرای فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی است. رسول داوری (۱۳۸۹) در پژوهش خود با عنوان «موانع مشارکت دانش‌آموزان دوره متوسطه در فعالیت‌های مدارس» با ذکر این فرضیه که میزان استقبال دانش‌آموزان از حضور در فعالیت‌های فرهنگی اندک است، به دلایل عدم مشارکت دانش‌آموزان در این برنامه‌ها از دیدگاه مربیان پرورشی، دبیران و دانش‌آموزان دست یافته است. از دیدگاه مربیان پرورشی، تضاد فرهنگی میان مدرسه و جامعه، تداخل برنامه‌های درسی با برنامه‌های مربوط به فعالیت‌های فرهنگی و نبودن انگیزه از سوی دانش‌آموزان به شرکت در این فعالیت‌ها از جمله موانع مهم عدم مشارکت آنان در فعالیت‌های فرهنگی مدرسه است. از دیدگاه دانش‌آموزان، فرمالیته بودن برنامه‌ها، تکیه بیش از حد به برنامه‌های درسی و بی توجهی به برنامه‌های غیر درسی، مخالفت دبیران از شرکت دانش‌آموزان در این فعالیت‌ها مهمترین عوامل عدم استقبال از برنامه‌های فوق برنامه فرهنگی مدارس است.

هر چند که متولی فعالیت‌های فرهنگی در برخی نظام‌های آموزشی مانند آموزش و پرورش ایران به عهده نهاد خاصی مانند معاونت پرورشی آموزش و پرورش است، اما دلیلی بر آن نیست که این فعالیت‌ها در نظام آموزشی سایر کشورها ضعیف باشد. همچنان که پتیت (۱۹۹۷) در مقاله خود با عنوان «نقش مراقبتی فعالیت‌های فوق برنامه

نموده است که ارزش‌های دینی و سیاسی دارای بیشترین فراوانی در همه کتاب‌های درسی است. از سوی دیگر، فراوانی ارزش‌های ملی مشتمل بر شناخت میراث فرهنگی و آثار باستانی ایران، شناخت شخصیت‌های ملی و احترام به میهن از حد انتظار کمتر بوده است. به همین دلیل، ضرورت بازنگری جدی دارد. صادق‌زاده (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان «بررسی نمادهای هویت ملی در کتاب‌های درسی تاریخ و ادبیات فارسی دوره متوسطه رشته علوم انسانی»، نیز نتیجه‌ای مشابه پژوهش‌های شاه سنی و شمشیری و نوشادی به دست آورده است. وی گزارش کرده که در کتاب‌های درسی ادبیات و تاریخ دوره متوسطه توجه موزون و متعادل به نمادهای ملی نشده است.

همچنین سنجری و سلیمی (۱۳۸۵) در پایان‌نامه خود با عنوان «مقایسه کیفیت آموزشی و پرورشی دبیرستان‌های غیرانتفاعی با دبیرستان‌های دولتی»، نتیجه گرفته است که نحوه ارائه برنامه‌هایی که با هدف فرهنگ پذیری انجام می‌شود، مستلزم نگاه تقدم کیفیت بر کمیت است. به عبارت دیگر، اگر یک برنامه محتوای غنی و ارزشمندی در ارائه نمادهای ملی و مذهبی ارائه دهد، زمینه ایجاد عکس العمل‌های متفکرانه را در مخاطب فراهم می‌آورد و بارقه شکل‌گیری هویت را در وی ایجاد می‌نماید. از سوی دیگر و با توجه به ابعاد مختلف و گسترده فعالیت‌های پرورشی، اجرای فعالیت‌های پرورشی و فرهنگی مدارس مستلزم به کارگیری افراد متخصص در این حوزه است. در مورد اهمیت فعالیت‌های فوق برنامه امام جمعه کاشان (۱۳۸۲) در مقاله‌ای با عنوان «نقش فعالیت‌های فوق برنامه در شکل دهی به هویت ملی دانش‌آموزان» معتقد است که فعالیت‌های فوق برنامه مدرسه باید با هدف هویت بخشی به دانش‌آموزان طرح ریزی شود. این در حالی است که دارابی (۱۳۸۶) در طرح سراسری که با عنوان بررسی هویت ملی، فردی و مذهبی در نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ ساله انجام داده بود، به این نتیجه رسید که هویت مذهبی نوجوانان ایرانی کم رنگ و ضعیف است. همچنین، در طرح سراسری بررسی وضعیت دینی نوجوانان ایرانی که توسط وزارت آموزش و پرورش (۱۳۸۶) به اجرا در آمد، نتیجه‌ای مشابه یافته‌های دارابی (۱۳۸۶) پیرامون بنیه ضعیف اعتقادی، دینی،

پژوهش حاضر بر آن است تا میزان پرداختن فعالیت‌های فرهنگی فوق برنامه به نمادهای هویت ملی و مذهبی را در دوره متوسطه بررسی نماید. به ویژه آن که بیش از ۱۰ سال است که فعالیت‌های فوق برنامه فرهنگی و تربیتی آموزش و پرورش مورد بررسی جدی قرار نگرفته است.

روش پژوهش

روش پژوهش توصیفی است و در آن از تکنیک تحلیل محتوا استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه برنامه‌های فرهنگی مصوب معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش است. معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش، بر اساس ساختار سازمانی سال ۱۳۹۰ از پنج دفتر (اداره) شامل دفتر مشاوره، دفتر سلامت و پیشگیری، دفتر تربیت بدنی، دفتر فضا سازی قرآنی و دفتر فرهنگی - هنری تشکیل شده است. پژوهشگر در این پژوهش جهت درک عمیق موضوع مورد مطالعه با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند، دفتر فضا سازی قرآنی و دفتر فرهنگی - هنری را به دلیل احتمال بیشتر برنامه‌های فرهنگی جهت تحلیل انتخاب نمود. ابزار گردآوری داده‌ها نیز، کلیه اسناد و مدارک مربوط به برنامه‌های فرهنگی دوره متوسطه اعم از آیین‌نامه‌ها، بخش نامه‌ها، کتاب و جزوات موجود در دو دفتر مزبور است. اطلاعات مربوط به اسناد و مدارک طی فرایند سه مرحله‌ای سازمان دهی، بررسی و پردازش مورد تفسیر و پردازش قرار گرفت. فرایند گام اول، آماده سازی و سازماندهی است و منظور از آن شناسایی اسناد مورد نظر پژوهشگر است. در این پژوهش اسناد و مدارک حیطة معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش که متولی فعالیت‌های فرهنگی مدارس است جهت تحلیل، آماده شده، آن بخش از اسناد و مدارک که امکان و ضرورت تحلیل ندارد، حذف می‌گردد و پس از آن در گام دوم یعنی بررسی مواد، مقولات موجود را که با نمادهای مورد نظر هم‌خوانی دارد، ثبت و مقوله بندی می‌شود. در این پژوهش، به جهت آن که پژوهشگر به محتوای اسناد و مدارک توجه دارد، کلیه مقوله‌های مرتبط با نمادهای هویت ملی و مذهبی را شناسایی می‌نماید. کانون توجه و تمرکز در این پژوهش گام سوم است. با توجه به اینکه در این پژوهش، ارزش تمامی

به عنوان عوامل مهم رشد نوجوانان پس از خروج از سیستم آموزش و پرورش» توجه و تأیید نظر اغلب صاحب نظران اروپایی و آمریکایی به اهمیت و تأثیر فعالیت‌های فوق برنامه تربیتی و فرهنگی در شکل گیری هویت اعلام نموده است. وی بیان می‌کند که اهمیت فعالیت‌های فوق برنامه در تأثیری است که در آینده برجای می‌گذارد. مشارکت نوجوانان در فعالیت‌های اجتماعی و برنامه‌های هدفدار، آنها را به طور واقع بینانه‌ای با مقتضیات زندگی و اجتماع روبه‌رو کرده، برای ساختن آینده روشن آماده می‌سازد (Pettit, 1997). پالسن (۱۹۹۷) نیز در مقاله‌ای با عنوان «برنامه‌های اجتماعی آموزش و پرورش و مشارکت در مجموعه فعالیت‌های اجتماعی مدارس» به ارزش و جایگاه برنامه‌های اجتماعی مدارس در سیستم‌های اروپایی و آمریکایی و اهمیت آن از نگاه خانواده‌ها اشاره می‌کند. همچنین محتوای فعالیت‌های فوق برنامه این کلپ‌های تربیتی شامل ورزش، شطرنج، کتاب‌خوانی، آموزش زبان، آموزش‌های هنری شامل عکاسی، موسیقی، سرامیک سازی، آشپزی، علوم تجاری و غیره است. (Paulsen, 1997). «فعالیت‌های فوق برنامه و آثار آن» عنوان پژوهشی است که توسط میلر در مرکز تحقیقات کالج ولزی انجام شده است و در نتیجه آن بیانگر این است که مدارس که ارائه دهنده خدمات اجتماعی و تربیتی برای دانش‌آموزان است باعث ایجاد هویت رشد یافته در آنان می‌شود و ضمن تعهد به اصول اخلاقی، احساس تعلق به اجتماع و کشوری که در آن زندگی می‌کنند، دارند. همچنین نه تنها نوجوانان از نتایج این فعالیت‌ها بهره‌مند می‌شوند، بلکه جامعه و دولت نیز از نتایج آن نیز منتفع می‌گردد (Miller, 2002). بینگ نیز در پژوهش خود با عنوان «رابطه بین آموزش و هویت ملی» به این نکته اشاره می‌کند که کشورهای مختلف دنیا و از جمله کره مایلند تعلیم و تربیتی که به نوجوانان عرضه می‌شود. در راستای فرهنگ پذیری آنان و ایجاد هویت ملی و یک‌دست نمودن افراد باشد. (Leebyung, 2002). البته متولیان سیستم تعلیم و تربیت کشور ژاپن نیز تلاش می‌کنند تا با تأکید بر آموزش اخلاق، پرورش اجتماعی، توجه به تاریخ، فرهنگ و سنت‌های ژاپنی، فعالیت‌های فوق برنامه خود را اجرا نمایند (ستایش، ۱۳۸۵).

روزه) از جمله مواردی است که همه روزه در ظهرگاه برگزار و اقامه می‌گردد و در زمره برنامه‌های ثابت و همیشگی مدارس قرار می‌گیرد. نماد سنت نیز در قالب احادیث ائمه به صورت ثابت و همیشگی در مراسم صبحگاهی و مسابقات و جشنواره‌ها، در طول سال مورد پاسداشت و توجه قرار می‌گیرد. لذا این دو نماد حضور چشمگیری در برنامه‌های تربیتی مدارس دارد. سایر نمادها مانند مراسم مذهبی، ایثار و شهادت و انتظار نیز با توجه به جدول تحلیلی، در طول سال تحصیلی به صورت متناوب و قابل قبول بدان‌ها پرداخته شده است. اما نماد اماکن مذهبی در میان نمادهای مذهبی کمترین میزان توجه را داشته است. در حیطه هویت مذهبی اغلب نمادهای مذهبی مورد توجه بوده است. نمادهای قرآن و مناسک مذهبی واجب (نماز و روزه)، مناسک مذهبی مستحب و احادیث جز برنامه‌های همیشگی مدارس است. برنامه‌های متنوعی نیز برای تکریم ارزش ایثار و شهادت و انتظار در برنامه‌های فرهنگی مدارس شناسایی شد. نتایج پژوهش حاضر دلالت بر آن دارد که در فعالیت‌های فرهنگی فوق برنامه معاونت پرورشی دوره متوسطه به اغلب مؤلفه‌ها و نمادهای هویت مذهبی در حد مناسب پرداخته شده است.

پرسش دوم: آیا برنامه‌های فرهنگی دوره متوسطه نمادهای هویت ملی را مورد توجه قرار می‌دهد؟

بر اساس اطلاعات به دست آمده و با توجه به جدول شماره ۲، یافته‌های حاصل از تحلیل برنامه‌های مصوب معاونت پرورشی در حیطه نمادهای هویت ملی در بررسی صورت گرفته پیرامون نمادهای هویت ملی مشاهده شد که نماد پرچم و سرود ملی حضوری همیشگی در برنامه‌های فرهنگی مدارس دارد. این دو شاخص به صورت ثابت در برنامه‌های صبحگاهی، به صورت متناوب در مناسبت‌ها، جشنواره‌ها مورد پاسداشت قرار می‌گیرد و در مناسبت‌های محدود یکبار در سال نیز، در افتتاحیه برنامه اجرا می‌شود. نمادهای جشن‌های ملی (در بخش مناسبت‌های انقلابی)، شعر و ادب، هنر ایرانی و دفاع از

مقولات برابر نیست، پژوهشگر موظف است که به داده‌هایش انتظام بخشد و پیش از تفسیر نهایی و ارائه جدول، ارزش فراوانی‌ها را مشخص نماید. همان گونه که هولستی (۱۳۷۳) اشاره می‌کند، در برخی پژوهش‌ها به واسطه ماهیت پژوهش به کارگیری مقیاس فراوانی صحیح نیست. لذا داده‌های به دست آمده از تحلیل محتوای اسناد و مدارک مزبور، بر اساس میزان و حیطه اجرا در طول سال تحصیلی با ۳ مقیاس (۱) برنامه‌های همیشگی و ثابت (۲) برنامه‌های متناوب (۳) برنامه‌های محدود مورد تحلیل قرار می‌گیرد. ارزش این ۳ مقیاس برابر نیست. منظور از برنامه‌های ثابت برنامه‌های است که همه روزه اجرا می‌گردد. قطعاً برنامه‌های ثابت و همیشگی از نظر میزان اجرا و تکرار در اولویت قرار می‌گیرد. برنامه‌های متناوب نیز به صورت تکراری اما محدودتر در طول سال تحصیلی بسته به موقعیت و زمینه، اجرا می‌شود. برنامه‌های محدود نیز برنامه‌هایی هستند که میزان اجرای آنها در طول سال بسیار اندک است و تنها در یک برهه زمانی محدود اجرا می‌گردد. پس از مقوله بندی و ارزش گذاری داده‌ها با این سه مقیاس، باید اطلاعات به دست آمده تفسیر شود. در این پژوهش، پژوهشگر به دنبال کیفیت اجرای برنامه‌ها نیست. پس از انجام پژوهش، یافته‌های به دست آمده با پیشینه نظری و عملی پژوهش مقایسه و ارتباط داده شد تا بتوان به پرسش‌های پژوهش پاسخ داد.

بررسی یافته‌ها

۱- آیا برنامه‌های فرهنگی دوره متوسطه نمادهای هویت مذهبی را مورد توجه قرار می‌دهد؟

بر اساس اطلاعات به دست آمده و با توجه به جدول شماره ۱، یافته‌های حاصل از تحلیل برنامه‌های مصوب معاونت پرورشی در حیطه نمادهای هویت مذهبی در بخش نمادهای هویت مذهبی، نماد قرآن حضوری ثابت و همیشگی در برنامه‌های فرهنگی و مذهبی مدارس دارد. این نماد، در میان نمادهای هویت مذهبی، اولویت اول را به دست آورده است. هر روز بخش آغازین مراسم صبحگاهی را تلاوت آیاتی از قرآن مجید تشکیل می‌دهد. نماد مناسک مذهبی واجب (نماز و در ماه مبارک رمضان

ومحتوای این برنامه‌ها بیشتر امکان طرح پرسش و عکس العمل‌های متفکرانه وجود دارد. به عنوان نمونه نماد پرچم و سرود ملی یک برنامه ثابت و همیشگی است و به دلیل تکراری بودن ممکن است دیگر علائق را تحریک نکند. اما برنامه‌های متنوع فرهنگی و هنری بیشتر در راستای تقویت ارزش‌های دینی طراحی شده است، مانند مسابقات ادبی نماز، مسابقات سرود با محتوا و اشعار دینی و اعتقادی. به عبارت دیگر، اغلب قابلیت‌های فرهنگی و هنری در خدمت توجه و تقویت ارزش‌های دینی استفاده می‌شود که البته این بسیار ارزشمند است. اما علی‌رغم جایگاه ویژه ارزش‌های مذهبی در برنامه‌های امور تربیتی و حتی محتوای کتب درسی جای این سؤال و ابهام پیش می‌آید که چرا دارایی (۱۳۸۶) هویت مذهبی موفق در نوجوانان و جوانان کم رنگ و ضعیف گزارش کرده است. به ویژه آن که وزارت آموزش و پرورش (۱۳۸۶) در طرح سراسری که به منظور سنجش میزان نقصان دینی نوجوانان و جوانان رده سنی ۲۳ - ۱۷ سال انجام داد، گزارش نموده است که ۱۰ درصد از افراد نمونه پژوهش، تارک الصلاة، ۲۰ درصد کاهل الصلاة، ۱۰ درصد در مبانی اعتقادی دچار مشکل اساسی و ۵ درصد از نظر اخلاقی شدیداً دچار مشکل هستند. لذا این مسأله مستلزم توجه بیشتر به کیفیت و شیوه اجرای برنامه‌ها و محتوای ارائه شده است. در این پژوهش شیوه اجرا مورد بررسی قرار نگرفته است و صرفاً محتوای مصوب و موجود در معاونت پرورشی آموزش و پرورش بررسی شده است. ارائه برنامه‌های نمادین، روبنایی و سطحی و کم‌مایه، به صرف فراوانی بالا، تأثیر چندانی در شکل‌گیری هویت موفق نخواهد داشت. بنابراین غنی‌سازی برنامه‌ها و ارائه شناخت و تقویت تفکر انتقادی و انتزاعی عامل مهمتری در شکل‌گیری هویت نوجوانان و جوانان است.

سرزمین نیز در قالب برنامه‌های مختلفی در طول سال تحصیلی به صورت متناوب مورد توجه و اجرا واقع می‌شود. در تحلیل برنامه‌های فرهنگی معاونت پرورشی برنامه‌های قابل توجهی برای توجه و ارزش‌گذاری به نمادهای آثار و بناهای تاریخی، لباس ایرانی و قهرمانان ملی مشاهده نشد و به دلیل عدم طراحی برنامه‌های جذاب و میزان اجرای محدود و مقطعی در طول سال تحصیلی، می‌توان گفت که کمترین توجه را در فعالیت‌های فوق برنامه فرهنگی به خود اختصاص داد. این مولفه‌ها در قالب یک برنامه محدود و در برخی موارد صرفاً اشاره‌ای و سطحی اجرا می‌گردد. برخی از این نمادها با یکدیگر همپوشانی داشتند. به عنوان مثال، نماد دفاع از سرزمین در قالب برنامه‌هایی نظیر بزرگداشت روز هویت ساز ایرانی یعنی سوم خرداد آزادسازی خرمشهر قرابت مفهومی یافته است. از سوی دیگر، روز سوم خرداد یکی از مناسبت‌های ملی ایرانیان است.

در پژوهش حاضر، نمادهای پرچم و سرود ملی و پس از آن هنر ایرانی، شعر و ادب، دفاع از سرزمین و جشن‌های ملی بیشترین توجه را به دست آورده است. البته در حیطه جشن‌های ملی، حضور و توجه به مناسبت‌های انقلابی و حماسی مانند دهه فجر و روز آزاد سازی خرمشهر مشاهده می‌شود و سایر جشن‌های ملی نظیر شب یلدا، عید نوروز، چهارشنبه سوری در برنامه‌های مصوب معاونت پرورشی جایی ندارد.

پرسش سوم: آیا برنامه‌های فرهنگی دوره متوسطه توجه موزونی به مؤلفه‌های ملی و مذهبی نشان داده است؟

با توجه به یافته‌های به دست آمده در پژوهش حاضر، صرف نظر از کیفیت اجرای برنامه‌ها و تنها بر اساس برنامه‌های مصوب معاونت پرورشی مطابق جداول شماره ۱ و ۲ مشاهده می‌شود که میزان برنامه‌های در نظر گرفته شده ارزش‌ها و مؤلفه‌های ملی و مذهبی یکسان نیست. همچنین اغلب برنامه‌های ثابت و همیشگی مربوط به برنامه‌های مذهبی بوده به ویژه آن که در طراحی شکل

جدول ۱ - یافته‌های حاصل از تحلیل برنامه‌های مصوب معاونت پرورشی در حیطه نمادهای هویت مذهبی

ردیف	نماد	برنامه‌های ثابت و همیشگی	برنامه‌های متناوب	برنامه‌های محدود و مقطعی
۱	قرآن	قرائت آیاتی از قرآن کریم همراه با ترجمه در تمام مراسم صبحگاهی	تمامی مراسم، جشن‌ها، جشنواره‌ها با آیاتی از قرآن کریم آغاز می‌شود. برگزاری مسابقات سراسری قرآن کریم در چهار مرحله شامل آموزشگاه، منطقه، استان و کشوری در چهار سطح حفظ، قرائت، مفاهیم، ترتیل	برپایی برنامه شبی با قرآن در ایام دهه فجر
۲	احادیث	قرائت همه روزه شعار هفته در قالب احادیث همراه با ترجمه	برپایی مسابقات سراسری احادیث ائمه در قالب چهل حدیث، در چهار مرحله آموزشگاه، منطقه، استان و کشوری - برپایی مسابقات سراسری نهج البلاغه در چهار مرحله آموزشگاه، منطقه، استان	
۳	مناسک مذهبی واجب	برپایی همه روزه نماز به صورت جماعت و فرادا به امامت شخص روحانی	برپایی مسابقات نماز، تجلیل از دانش‌آموزان نمازگزار، نصب احادیث و مطالب دینی با محوریت نماز بر تابلوهای اعلانات و ...	اعزام داوطلبانه دانش‌آموزان در مناسبتی از سال به نماز جمعه
۴	مناسک مذهبی مستحب	قرائت همه روزه دعا و نیایش در مراسم صبحگاهی - قرائت همه روزه دعا و نیایش پس از نمازجماعت	قرائت ادعیه مختلف در طول سال تحصیلی متناسب با مناسبت‌های موجود مانند زیارت عاشورا در ایام محرم، دعای توسل در مناسبت‌های خاص، دعای عرفه، دعا‌های روزهای ماه مبارک رمضان در ایام ماه مبارک	
۵	اماکن مذهبی		برپایی نماز جماعت در طول سال تحصیلی به ویژه در ماه مبارک رمضان در نزدیک‌ترین مسجد	اعزام دانش‌آموزان به اماکن متبرکه مانند امامزاده، مشهد مقدس، قم و ... یکبار در طول سال به صورت داوطلبانه در قالب اردوهای درون و یا برون استانی
۶	مراسم مذهبی		برپایی مراسم عزاداری در مناسبت‌های مصادف با شهادت ائمه و ایام محرم و شهادت حضرت علی (ع) و نیز برپایی مراسم جشن و سرور به مناسبت میلاد پیامبر اکرم و میلاد ائمه	
۷	انتظار		برپایی جشنواره سراسری مهدویت در چهار مرحله، برپایی مسابقه سراسری مقاله نویسی با عنوان ویژگی روز ظهور، اشاعه فرهنگ انتظار در میان سایر برنامه‌ها، قرائت همه روزه دعای فرج	
۸	ایثار و شهادت		برپایی مسابقات سراسری شعر و ادب با عنوان در اطراف حریم شهادت، برپایی مسابقات سراسری یاران حسین، نصب و الصاق عکس شهدا در مناسبت‌هایی از سال تحصیلی مانند دهه فجر و روز آزاد سازی خرمشهر، تهیه روزنامه دیواری در مناسبت‌های ملی با موضوعات حماسی، شهادت و دفاع	

جدول ۲ - یافته‌های حاصل از تحلیل برنامه‌های مصوب معاونت پرورشی در حیطه نمادهای هویت ملی

ردیف	نماد	برنامه‌های ثابت و همیشگی	برنامه‌های متناوب	برنامه‌های محدود و مقطعی
۱	پرچم	در تمام طول سال تحصیلی	در کلیه مناسبت‌ها و ایام الله	در مراسمی که یکبار برگزار می‌گردد
۲	سرود ملی	در تمام طول سال تحصیلی	در کلیه مناسبت‌ها و ایام الله	در مراسمی که یکبار برگزار می‌گردد
۳	آثار و بناهای تاریخی			تنها در قالب اردو و بازدیدهای برون استانی و درون استانی به صورت محدود .
۴	لباس ایرانی			عمدتاً در استان‌ها و شهرستان‌ها لباس‌های محلی و قومی برای اجرای مسابقات سرود و تئاتر استفاده می‌شود.
۵	دفاع از سرزمین		متناسب با مناسبت‌های مختلف ملی مورد پاسداشت قرار می‌گیرد نظیر دهه فجر، روز ارتش، هفته دفاع مقدس، روز آزادسازی خرمشهر و در قالب مسابقات هنری نظیر سرود تئاتر، شعر، مقاله نویسی، روزنامه دیواری و...	
۶	هنر ایرانی		به صورت متناوب در قالب نمایشگاه‌های هنری نظیر عکاسی، خطاطی، معرق، کارهای دستی و... در مناسبت‌های ملی به ویژه دهه فجر	
۷	جشن‌های ملی		از میان مناسبت‌ها و ایام الله که در برگیرنده جشن‌های ملی است و مصوب در برنامه فرهنگی معاونت پرورشی است می‌توان به دهه فجر و سال روز آزادسازی خرمشهر اشاره نمود البته به برخی مناسبت‌ها نظیر روز ملی فناوری هسته‌ای، ایام الله مربوط به دفاع مقدس به صورت محدود و حاشیه‌ای پرداخته شده است.	
۸	قهرمانان ملی			در حد گرامی داشت شخصیت‌های ملی در برنامه‌های صبحگاهی که نامشان در تقویم منعکس شده است
۹	شعر و ادب		در قالب مسابقات هنری شعر و مشاعره در مناسبت‌های ملی به ویژه دهه فجر ، در مراسم صبحگاهی از طریق از طریق ارائه نکته‌های ظریف ادبی و مثل‌ها، برایی مسابقات سراسری قصه گوئی و داستان نویسی در چهار مرحله آموزشگاه، منطقه، استان و کشوری، برپایی مسابقات سراسری شعر و خاطره نویسی در چهار مرحله، برپایی برایی مسابقات نمایشنامه نویسی در چهار مرحله	

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر دلالت بر آن دارد که در فعالیت‌های فرهنگی فوق برنامه معاونت پرورشی دوره متوسطه به اغلب مؤلفه‌ها و نمادهای هویت مذهبی در حد مناسب پرداخته شده و مورد توجه بوده است. و این نتایج با یافته‌های معدود پژوهش‌های مشابه هم‌خوانی دارد. یافته‌های پژوهش شمشیری و نوشادی (۱۳۸۶) که حاکی از آن بود که غلبه و استیلای بعد مذهبی بر سایر ابعاد هویت ملی وجود داشته است، با یافته‌های پژوهش فعلی هم‌خوانی دارد. در حالی که سایر ابعاد هویت ملی نظیر خرده فرهنگ‌های ملی، اسطوره‌های ملی، هنجارهای ملی و تعاملات بین الملل در حد بسیار نازلی مورد توجه بوده است. اما باید گفت که علی‌رغم جایگاه ویژه ارزش‌های مذهبی در برنامه‌های امور تربیتی و حتی محتوای کتب درسی، طبق آنچه که جوادی (۱۳۸۴) نیز بیان کرده است، نمی‌توان جوانان را تنها با داشتن ارزش‌ها و میراث کهن متعهد ساخت. تفسیر صحیح فرهنگ ملی و نحوه نمایش و عرضه آن عامل مهمی در ایجاد علاقه و گرایش نسل جوان به آن است. بنابراین آنچه که ضرورت می‌یابد، توجه به توسعه فرهنگی در بعد کیفی، شامل تقویت هویت دینی و ملی، پاسداری از آداب و رسوم زمان، ارزش‌ها و میراث فرهنگی غیر مادی می‌شود. به همین دلیل است که دارابی (۱۳۸۶) هویت مذهبی موفق در نوجوانان و جوانان کم‌رنگ و ضعیف گزارش نموده است. به ویژه آن که براساس گزارش وزارت آموزش و پرورش (۱۳۸۶)، ۱۰ درصد از افراد مورد پژوهش تارک الصلاه، ۲۰ درصد کاهل الصلاه، ۱۰ درصد در مبانی اعتقادی دچار مشکل اساسی و ۵ درصد از نظر اخلاقی شدیداً دچار مشکل هستند. لذا این مسأله مستلزم توجه بیشتر به کیفیت و شیوه اجرای برنامه‌ها و محتوای ارائه شده است. برنامه‌های فرهنگی مدارس باید با طراحی جذاب محتوا، فرصت‌هایی را فراهم آورند تا در این نوع برنامه‌ها دانش‌آموزان به فهم غنای سنت‌های فرهنگی دست یابند. فعالیت فرهنگی و تربیتی به عنوان فعالیت اجتماعی، جهت تولید و بهره‌برداری از انتقال معانی و نمادها و با هدف ارتقای معنوی صورت می‌گیرد. همچنان که خراسانی (۱۳۸۰) معتقد به کیفیت و محتوای برنامه‌های فرهنگی و

تربیتی است. بنابراین یکی از ضروریات در کیفیت و محتوای فعالیت‌های فرهنگی مدارس و تحقق تأثیر اجرای این فعالیت‌ها بر نوجوانان، متناسب بودن این برنامه‌ها با نیاز دانش‌آموزان و با توجه به شرایط فعلی جامعه است. تحقق اهداف فرهنگی و تربیتی مستلزم داشتن طرح و برنامه بر اساس نیاز نوجوانان است و اولین مهمترین گام، برنامه‌ریزی مبتنی بر نیازسنجی است. در این پژوهش شیوه اجرا مورد بررسی قرار نگرفته است و صرفاً محتوای مصوب و موجود در معاونت پرورشی آموزش و پرورش بررسی شده است. ارائه برنامه‌های نمادین، روئایی و سطحی و کم‌مایه، به صرف فراوانی بالا، تأثیر چندانی در شکل‌گیری هویت موفق نخواهد داشت. بنابراین غنی‌سازی برنامه‌ها و ارائه شناخت و تقویت تفکر انتقادی و انتزاعی عامل مهمتری در شکل‌گیری هویت نوجوانان و جوانان است.

در حیطه ارزش‌ها و مؤلفه‌های ملی نتیجه به دست آمده از پژوهش فعلی، نتایج شمشیری و نوشادی (۱۳۸۶) را مبنی بر توجه بسیار نازل برنامه‌های درسی به ابعاد هویت ملی مانند خرده فرهنگ‌های ملی، اسطوره‌های ملی، هنجارهای ملی تأیید می‌نماید. مهمترین پژوهش در این زمینه - که تقریباً شبیه به پژوهش حاضر است - توسط ملاصادقی (۱۳۷۸) انجام شده بود. نتایج پژوهش فعلی با یافته‌های آن پژوهش، مبنی بر اینکه در فعالیت‌های فرهنگی مدارس به ابعاد دینی و مذهبی هویت بسیار توجه شده است. در حالی که از ابعاد دیگر مانند جشن‌های ملی و آثار و بناهای تاریخی بسیار غفلت شده است، کاملاً هم‌خوان است. در مقایسه بین یافته‌های این پژوهش و پژوهش‌های مربوط به محتوای کتب درسی شایان ذکر است که فعالیت‌های فوق برنامه فرهنگی و تربیتی در مقایسه با کتب درسی از قابلیت‌های ویژه‌ای جهت تقویت برخی نمادها مانند پاسداشت پرچم، سرود ملی و دفاع از سرزمین برخوردار هستند. در حالی که محتوای کتب درسی برخی دیگر از نمادها نظیر نخبگان و تقویم رسمی را مورد توجه قرار می‌دهند. البته برخی نمادها مانند جشن‌های ملی، لباس ایرانی و آثار و ابنیه تاریخی، نه در محتوای کتب درسی و نه در حیطه امور تربیتی چندان مورد توجه است. این در حالی است که نمادهایی نظیر آثار و بناهای تاریخی،

ریزی و نیز سلیقه گرایی ناشی می‌شود. متأسفانه این سلیقه گرایی همواره جریان عدم تعادل میان مصداق‌های مذهب، ملیت و غرب را به دنبال داشته است (منادی، ۱۳۸۳). بر اساس جدول شماره ۱، برنامه‌های فرهنگی که در راستای تقویت نمادهای ملی ارائه شده است، عمدتاً مقطعی و محدود است. بنابراین، هم تعداد برنامه‌های طراحی شده در حیطه نمادهای مذهبی بیشتر مشاهده می‌شود و هم اینکه اغلب ثابت و همیشگی است. این در حالی است که برنامه‌های طراحی شده مربوط به نمادهای ملی اندک و میزان اجرای آن نیز مقطعی و محدود به زمان خاصی می‌شود. لذا کاملاً آشکار است که توجه متعادلی به ارزش‌ها و نمادهای ملی در کنار ارزش‌ها و نمادهای مذهبی نشده است. صادق زاده (۱۳۸۶) نیز در پژوهش خود که با عنوان «بررسی نمادهای هویت ملی در کتاب‌های درسی تاریخ و ادبیات فارسی دوره متوسطه رشته علوم انسانی» انجام شد، گزارش نمود که میزان پرداختن محتوای کتاب‌های درسی به مؤلفه‌های ملی و مذهبی متعادل نیست. شاه سنی (۱۳۸۶) و شمشیری و نوشادی (۱۳۸۶) نتیجه‌ای مشابه پژوهش صادق زاده به دست آورده‌اند.

بنابراین نتایج این پژوهش با یافته‌های صادق زاده (۱۳۸۶)، شمشیری و نوشادی (۱۳۸۶) و شاه سنی (۱۳۸۶) ملاصدیقی (۱۳۷۸) مبنی بر عدم توازن در پرداختن به نمادها و مؤلفه‌های ملی و مذهبی و غلبه برنامه‌های مذهبی آموزش و پرورش هم‌خوانی دارد. یافته‌های ملا صدیقی (۱۳۷۸) که در حیطه فعالیت‌های فرهنگی مدارس به تحلیل مؤلفه‌های فرهنگی موجود در محتوای این برنامه‌ها پرداخته بود، به نتیجه‌ای مشابه آن تحقیق رسید و البته پس از گذشت سال‌ها از پژوهش پیشین، تغییری در طراحی و تنظیم محتوای برنامه‌های فرهنگی مشاهده نمی‌شود. در حالی که میرمحمدی (۱۳۸۳) عناصر تغذیه کننده فرهنگ را ملیت، مذهب و غرب (تجدد) معرفی نموده است. مسلم است که بی توجهی به حالت تعادل و تعامل منطقی این منابع، اثرات منفی و مخربی در شکل‌گیری هویت نوجوانان و جوانان بر جای خواهد گذاشت و منادی (۱۳۸۳) نیز یکی از مهمترین مشکلات مربوط به هویت جامعه ایرانی را در همین عدم تعادل دانسته است. به

جشن‌های ملی و هنر ایرانی، احساس غرور و اصالت و نیز پی بردن به غنای فرهنگ و تمدن را در افراد ایجاد می‌نمایند (جوادیان، ۱۳۸۵). به اعتقاد پژوهشگر جشن‌های ملی نظیر شب یلدا، عید نوروز، چهارشنبه سوری که در برنامه‌های فرهنگی آموزش و پرورش جایگاه چندانی ندارد، صرف نظر از فلسفه و محتوای زیربنایی مناسبت‌های ملی ذکر شده که البته نقش تربیتی مؤثری دارد، از اینکه این میراث کهن در گذر زمان، تبدیل به برخی ضد ارزش‌ها شود جلوگیری می‌نماید. نمادهای لباس ایرانی، آثار و بناهای تاریخی توجه چندانی را به دست نیآورده است. در مقایسه و تطبیقی که با اهداف دوره متوسطه نیز به عمل آمد، مشخص شد که برخی برنامه‌های شناسایی شده با اهداف دوره متوسطه هم‌خوانی دارد و برخی اهداف نیز محقق نمی‌گردد. چرا که برنامه‌ای برای آن ارائه نشده است. مثلاً برای این هدف که «نوجوان با لباس‌های ایرانی و اسلامی آشنا شود» (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۹) برنامه‌ای ارائه نشده است. همچنین، هدف «ایجاد تعلق و گرایش به حضور در مراسم ملی و مذهبی» به طور کامل مشاهده نشد. این در حالی است که آذر (۱۳۷۹) نیز در پژوهش خود اشاره نمود که مهمترین هدف نظام تربیتی مدارس که در واقع همان غنی سازی فعالیت‌های فوق برنامه در راستای تربیت اخلاقی و فرهنگی است، کمترین میزان توجه را به دست آورده است و این نتایج مؤید این موضوع است که فعالیت‌ها یا اقداماتی که باید در راستای تحقق اهداف فرهنگی و تربیتی انجام گیرد سطحی و کم مایه است.

همانگی‌های به دست آمده از تحقیقات پیشین و پژوهش حاضر که به فاصله زمانی بیش از ۱۰ سال انجام شده است، حکایت از آن دارد که در طول سالیان گذشته در نهاد آموزش و پرورش چه در فعالیت‌های فوق برنامه معاونت پرورشی و چه در محتوای کتب درسی به پدیده هویت ملی، توجه شایسته‌ای نشده است. به عبارت دیگر، مسؤولان و برنامه ریزان آگاهانه و یا نا آگاهانه این موضوع بسیار مهم را مورد غفلت قرار داده‌اند. که مهمترین دلیل آن عدم وجود برنامه ریزی در عرصه فرهنگ و از جمله آموزش و پرورش است (جوادی، ۱۳۸۴). البته به اعتقاد نگارنده این تنگنا از عدم تخصص برخی از مسؤولان در حیطه برنامه

آمریکایی هستند و در سرزمین جغرافیایی قرار گرفته‌اند که در معرض ورود انواع فرهنگ‌ها قرار می‌گیرند؛ اما از برنامه ریزی جهت تربیت نسل نوجوان خود غافل نمی‌مانند. اما طبق دیدگاه‌های صاحب نظران داخلی همچون سلطانی (۱۳۸۱) و جوادی (۱۳۸۴) ضعف اساسی سیستم فرهنگی کشور ما و از جمله آموزش و پرورش فقدان برنامه ریزی فرهنگی است. آن هم در شرایطی که زیربنای فکری جامعه ایرانی با کشورهای اروپایی و آمریکایی متفاوت است. صبغه دین و ارزش‌های ملی و فرهنگی در سیستم‌های فرهنگی ایران قابل مقایسه با ارزش‌های فرهنگی غرب نیست. اما متأسفانه به دلیل عدم برنامه ریزی علمی، سلیقه‌ای عمل کردن و از یک سو فقدان تعهد برخی مسؤولان و از سوی دیگر عدم تعادل در توجه به ارزش‌های ملی، مذهبی و غربی باعث غفلت از میراث فرهنگی و ارزش‌های ملی و مذهبی می‌گردد. بر اساس نظر لطف آبادی (۱۳۸۰)، غفلت متولیان و مسؤولان فرهنگی منجر به هجوم فرهنگ مهاجم غرب با استفاده از ویژگی‌های پر جاذبه و شگردهای تبلیغی روان‌شناسانه می‌گردد که سعی در فروپاشی نظام اعتقادی و فکری نسل جوان داشته و از طریق تهی ساختن آنان از درون، زمینه جذب آنان را به مبانی فرهنگی بیگانه فراهم می‌آورد.

در این میان مهمترین وظیفه دستگاه‌های فرهنگی و از جمله معاونت تربیتی آموزش و پرورش که رسالت مهمی در هدایت هویت نسل به عهده دارند، سیاست گذاری فرهنگی است. این سیاست گذاری انسجام و وحدت رویه و هدف را در تمام نظام‌های متولی فرهنگ فراهم می‌سازد و از ایجاد تعارض و تناقض در برنامه‌ها و در نتیجه سرگشتگی نسل نوجوان و جوان جلوگیری می‌نماید. همان گونه که جوادی (۱۳۸۴) اشاره نموده است، متأسفانه یکی از تنگناهای موجود که منجر به مشکلات فرهنگی شده و به تبع آن هویتی برای افراد ایجاد گشته است، نتیجه فقدان سیاست گذاری در عرصه فرهنگ و عدم شناسایی پتانسیل‌های موجود در راستای جامعه پذیر نمودن افراد و متعهد نمودن آنان به ارزش‌ها و میراث فرهنگی است. در این پژوهش، پژوهشگر نیز همچون جوادی (۱۳۸۴) معتقد به برنامه ریزی دقیق در حیطه موضوعات کیفی مانند عناصر و

ویژه آن که آموزش و پرورش در کارکردها و برنامه‌های خود این تعادل را رعایت نکرده است. امکانات و قابلیت‌های آموزش و پرورش در حیطه معاونت پرورشی فراوان است. قطعاً امکان اعزام همه دانش‌آموزان به همه اماکن تاریخی وجود ندارد اما ظرفیت‌هایی نظیر مسابقات عکاسی، فیلم برداری، نشریه دیواری و ... امکان پرداختن به این نماد را می‌دهد. یکی از اقدامات مهم در حیطه آموزش و پرورش شناسایی بسترهای موجود جهت بهره برداری و به کارگیری است. نکته قابل توجه پیرامون شناسایی و استفاده از قابلیت‌های موجود در آموزش و پرورش، حاکم بودن رویکرد علمی برنامه ریزی در فرایندها و محتوای تعیین شده فرهنگی و تربیتی است. یکی از ضعف‌های حوزه معاونت پرورشی ثبات و یکنواختی محتوای برنامه‌های تربیتی در طی سالیان متمادی است. این یکنواختی، جذابیت و اثر گذاری برنامه‌ها را کاهش داده، تنها در حد رفع تکلیف و نه در راستای تربیت و فرهنگ پذیری جوانان مانند جشن‌های ملی، لباس ایرانی و آثار و ابنیه تاریخی ارائه می‌گردد. همچنان که شمشیری و نوشادی (۱۳۸۶) و امام جمعه (۱۳۸۲) بیان نموده‌اند، از آنجا که در نهاد آموزش و پرورش فعالیت‌های فوق برنامه مدرسه‌ای با گرایش فرهنگی و تربیتی نقش مهمی در شکل دهی و انسجام هویت نوجوانان ایفا می‌نماید و فعالیت‌های فوق برنامه مدرسه باید با هدف هویت بخشی به دانش‌آموزان طرح ریزی شود. لذا نمی‌توان از قابلیت و امکانات محتوایی و برنامه‌ای این حوزه غافل شد.

نتایج این پژوهش با یافته‌ها و دیدگاه‌های پژوهشگران میلر (۲۰۰۲)، پاولسن (۱۹۹۷)، بینگ (۲۰۰۲) و پتیت (۱۹۹۷) در پژوهش‌های خارج از کشور بیانگر اهمیت برنامه‌های فرهنگی، اجتماعی و تربیتی فوق برنامه و تأثیر آن بر سرنوشت جامعه و فرد است که با مبانی نظری پژوهش حاضر هم‌نوا است. هر چند شاخص‌های مورد بررسی برنامه‌های فرهنگی در این پژوهش‌ها با پژوهش فعلی و سایر پژوهش‌های داخلی به دلیل ماهیت متفاوت فرهنگ و ارزش‌ها یکسان نیست؛ اما آنچه که مطرح و مورد توجه است طراحی برنامه‌های فرهنگی اجتماعی مورد نیاز نسل نوجوان خود است. به زعم پژوهشگران میلر (۲۰۰۲) و پاولسن (۱۹۹۷) علی‌رغم اینکه این کشورها اروپایی و

در نوجوانان و جوانان نسبت به ارزش‌های فرهنگی و دینی می‌شود، مشارکت مؤثر آنان در فعالیت‌ها و برنامه‌های تربیتی است. تأثیر سازنده مشارکت ایجاد احساس مسؤلیت در مقابل محتوای برنامه‌های اجرا شده است. همچنان که سلطانی (۱۳۸۱) اشاره می‌نماید، یکی از دلایل نقش آموزش و پرورش در شکل‌گیری هویت و کسب بینش در دانش‌آموزان، مداخله و مشارکت ایشان در طراحی و ارائه برنامه‌هایی است که با محتوای فرهنگی و دینی عرضه می‌شود. بنابراین هرچه در این نظام، دانش‌آموزان مشارکت بیشتری در فعالیت‌های فرهنگی و فوق برنامه داشته باشند، از طریق میثاق اجتماعی در امور مدرسه، بسترهای لازم جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری ایشان فراهم می‌گردد و از نیروی فکری، ذهنی، جسمی، و خلاقیت آنها استفاده لازم به عمل می‌آید و موجب افزایش مسؤلیت‌پذیری، احساس تعلق و تقویت حس اعتماد به نفس آنها در آینده می‌شود. اما علی‌رغم اهمیت مشارکت نوجوانان در فعالیت‌های فوق برنامه و تأثیر آن بر رشد هویت و فرهنگ‌پذیری آنان نتایجی که در پژوهش‌های پیشین به دست آمده است، حاکی از مشارکت ضعیف دانش‌آموزان در فعالیت‌ها و فرایندهای تربیتی - اجتماعی و فوق برنامه مدرسه است (داوری، ۱۳۸۹). عدم استقبال نوجوانان و جوانان از مشارکت و استفاده از برنامه‌های فرهنگی طراحی شده، باعث می‌شود که از اهمیت آن برنامه‌ها و اثر سازنده آن بهره‌مند نگردند و در نتیجه تفکر و گرایشی که می‌تواند در نوجوانان نسبت به مفاهیم فرهنگی ایجاد شود، فراهم نگردد. لذا باید میان اهمیت برنامه درسی و برنامه‌های تربیتی هماهنگی موزونی برقرار شود. به زعم پژوهشگر، رسالت آموزش و پرورش صرفاً آموزش مدرسه‌ای نیست و قطعاً پرورش مقدم بر هر فرایندی است. لذا طبق یافته‌های داوری (۱۳۸۹) باید به منظور غنی نمودن برنامه‌هایی که در راستای تقویت و پاسداشت ارزش‌های ملی و مذهبی نظیر انجام مناسک مذهبی، گرامی داشت مناسبت‌های ملی و مذهبی، گرامیداشت شخصیت‌های ملی و مذهبی، میان برنامه درسی و برنامه‌های تربیتی هماهنگی صورت گیرد و ضمن توجیه دبیران و کادر آموزشی پیرامون اهمیت تربیتی فعالیت‌های فوق برنامه تربیتی و فرهنگی مدارس، نسبت به

ارزش‌های ملی و مذهبی است. وظایف تمامی دستگاه‌های متولی فرهنگ نیز بهره‌برداری از فرصت‌های موجود در برنامه ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی است. لذا در آموزش و پرورش چه در حوزه برنامه درسی و چه در حوزه برنامه‌های فرهنگی و تربیتی، فرصت‌ها و قابلیت‌های مؤثری در راستای فرهنگ‌پذیری و ایجاد هویت در نسل جوان وجود دارد. همچنان که سلطانی (۱۳۸۱) بیان نمود، آموزش و پرورش فرصت‌های مؤثری را از طریق تعاملات اجتماعی در مدارس فراهم می‌آورد که می‌تواند ضمن آشنایی و هوشیار سازی نوجوانان، ایشان را به فهم غنای سنت‌های فرهنگی برساند و یکی از این فرصت‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی مدارس است که قابلیت عرضه و نمایش شاخص‌ها و نمادهای ملی و مذهبی را داراست.

پژوهشگر نیز موافق با دیدگاه سنجری و سلیمی (۱۳۸۵) معتقد است که نحوه ارائه برنامه‌هایی که با هدف فرهنگ‌پذیری انجام می‌شود مستلزم نگاه تقدم کیفیت بر کمیت است. به عبارت دیگر، اگر یک برنامه، محتوای غنی و ارزشمندی در ارائه نمادهای ملی و مذهبی ارائه دهد زمینه ایجاد عکس‌العمل‌های متفکرانه را در مخاطب فراهم می‌آورد و بارقه شکل‌گیری هویت را در وی ایجاد می‌نماید. از سوی دیگر و با توجه به ابعاد مختلف و گسترده فعالیت‌های پرورشی، اجرای فعالیت‌های پرورشی و فرهنگی مدارس مستلزم به کارگیری افراد متخصص در این حوزه است.

البته این مسأله نیازمند توجه به برنامه‌ها و عملکرد سایر نهادها نظیر خانواده و رسانه‌های جمعی است. باید اشاره کرد که نمادها به تنهایی نقش هویت‌سازی ندارد بلکه آنچه که اولسون (۱۳۸۰) می‌گوید عکس‌العمل متفکرانه در مخاطب ایجاد می‌کند و این عکس‌العمل زمینه شناخت و گرایش و تعلق به داشته‌های ملی و یا مذهبی را فراهم می‌کند. بنابراین اگر پرداختن و اجرای این نمادها با دقت و ظرافت توأم با احترام همراه باشد، بارقه‌های توجه و گرایش به مؤلفه‌های ملی و مذهبی در اذهان نوجوانان و جوانان شکل خواهد گرفت. یکی از عوامل مهم ایجاد عکس‌العمل‌های متفکرانه و در نهایت گرایشی که منجر به تعهد

ایجاد نگرش و گرایش در افراد نسبت به این امور به طور غیر مستقیم نتیجه بهتری خواهد داشت. به طور کلی هدایت و ارشاد غیر مستقیم اموری که مربوط به حیطه عاطفی است مورد تأیید متخصصان است.

۶- از آنجا که دستگاه‌های مختلفی متولی فرهنگ سازی افراد در جامعه هستند، به منظور اثر گذاری بهتر برنامه‌ها و جلوگیری از ایجاد تناقض و تضاد در محتوای برنامه‌ها، ارتباط و هماهنگی میان اهداف و محتوای آنها در تمامی دستگاه‌های فرهنگی پیشنهاد می‌گردد.

منابع

آذر، علی (۱۳۷۹). *بررسی میزان انطباق برنامه‌ها با اهداف پرورشی از دیدگاه مدیران، مربیان پرورشی و دانش‌آموزان در دبیرستان‌های اصفهان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.

اسمیت، آنتونی (۱۳۸۳). *ناسیونالیسم*. ترجمه منصور انصاری. تهران: مؤسسه مطالعات ملی.

اولسون، دیوید (۱۳۸۰). *رسانه‌ها و نمادها*. ترجمه محبوبه مهاجر. تهران: انتشارات سروش.

اسماعیلی، رضا (۱۳۸۱). *سنجش نیازهای فرهنگی شهروندان ساکن اصفهان*. سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران.

امام جمعه کاشان، طیبه (۱۳۸۲). *نقش سامان دهی فعالیت‌های فوق برنامه در شکل دهی به هویت ملی دانش‌آموزان*. *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی*. دانشگاه مشهد. جلد چهارم. شماره اول.

بگلو، حسن و نوید ادهم، مهری (۱۳۷۲). *بررسی میزان استقبال و دستیابی به اهداف انجمن‌ها و کلوب‌های فرهنگی و هنری آموزشگاه‌های راهنمایی کشور*. معاونت پرورشی آموزش و پرورش.

بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۷۶). *روان‌شناسی نوجوانان*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

جوادیان، مسعود (۱۳۸۵). *چگونگی تبیین نگرش تاریخی در برنامه‌ها و کتاب‌های درسی وزارت آموزش و پرورش*. آموزش تاریخ. رشد ۲۴. دوره هشتم شماره ۱.

جوادی، نسیرین (۱۳۸۴). *توسعه فرهنگی استان‌ها، تنگناها و راهکارها*. نشریه/یران. شماره ۱۴۱.

مشارکت دانش‌آموزان در این فعالیت‌ها موافقت نمایند تا ضمن ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان جهت مشارکت، زمینه‌های شکل‌گیری هویت و فرهنگ‌پذیری مهیا گردد. پیشنهادات

۱- به معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش و دفاتر موجود پیشنهاد می‌شود تا جهت امکان‌آرزیابی و مقایسه برنامه‌های سال‌های اخیر با سال‌های گذشته به مدون نمودن فعالیت‌ها و برنامه‌های امور تربیتی با همکاری کارشناسان اقدام نماید. فقدان یک مجموعه مدون علمی که امکان تحلیل کامل و همه‌جانبه را ارائه دهد، باعث ایجاد مشکلات و محدودیت‌هایی در پژوهش‌ها و نیز عدم وجود انگیزه به انجام پژوهش در این حیطه می‌گردد.

۲- با بررسی تحلیل‌های انجام شده و مقایسه بین برنامه‌های عملی امور تربیتی و محتوای کتب درسی، ضعف‌ها و کاستی‌های هر یک از طریق قابلیت‌های دیگری جبران گردد. زیرا هر کدام از این حوزه‌ها قابلیت بالقوه‌ای دارد که نقص دیگری را جبران می‌نماید. مانند احترام و پاسداشت پرچم، سرود ملی، دفاع از سرزمین و نیز توجه به میراث فرهنگی که در برنامه‌های مور تربیتی امکان و قابلیت بیشتری در مقایسه با کتاب‌های درسی برای احترام و توجه دارد.

۳- به مسؤولان ذی‌ربط پیشنهاد می‌گردد که در انتخاب موضوعات و مضامین مربوط به برنامه‌ها و مسابقات دقت بیشتری نشان دهند و از محدود و تکراری بودن آنها جلوگیری کنند و نیز در انتخاب محتوای مربوط به برنامه‌ها، عناصر ملی و مذهبی را در کنار هم مورد توجه قرار دهند.

۴- از آنجا که معاونت پرورشی قابلیت‌ها و امکانات بیشتری جهت تقویت هویت ملی و مذهبی دارد پیشنهاد مؤکد می‌شود که بدون غرض ورزی و تعصب و با رعایت اصل تعادل در عناصر و منابع تغذیه‌کننده فرهنگ اعم از ملیت، مذهب و غرب (تجدد) در جهت تقویت عناصر و مؤلفه‌های ملی و مذهبی تواتماً برنامه‌های غنی و ارزنده‌ای جهت اجرا، طراحی نماید.

۵- پرورش هویت ملی، مذهبی بیشتر مربوط به بعد عاطفی شخصیت افراد است. یعنی از نظر عاطفی و اجتماعی

اجتماعی دوره راهنمایی تحصیلی از مؤلفه‌های هویت ملی. فصلنامه مطالعات برنامه درسی. سال دوم، شماره ۶. صادق زاده، رقیه (۱۳۸۶). بررسی نمادهای هویت ملی در کتاب‌های درسی تاریخ و ادبیات فارسی دوره متوسطه رشته علوم انسانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهرا. طالبان، محمدرضا (۱۳۸۰). تعهد مذهبی و تعلق سیاسی. نامه پژوهش. سال پنجم شماره ۲۰ و ۲۱. گروه تحقیقات سیاسی اسلام (۱۳۸۱). مؤلفه‌های هویت ملی در ایران. تهران: نشر فرهنگ معارف. لطف آبادی، حسین (۱۳۸۰). عواطف و هویت نوجوانان و جوانان. تهران: انتشارات سازمان ملی جوانان. مرادی، علیرضا و گلستانی، سید هاشم و اسماعیلی، رضا (۱۳۸۹). نیازسنجی توسعه فضاهای فرهنگی شهر نجف آباد. برنامه ریزی درسی - دانش و پژوهش در علوم تربیتی. دانشگاه آزاد واحد خوراسگان. شماره بیست و هفتم. ملاصادقی، منیره (۱۳۷۸). نقش فعالیت‌های فرهنگی مدارس در شکل دهی هویت ایرانی دانش‌آموزان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد علوم و تحقیقات. منادی، مرتضی (۱۳۸۳). جهانی شدن، دستگاه‌های فرهنگی و جوانان ایرانی. آموزش و پرورش و گفت‌وگوهای نوین. پژوهشکده تعلیم و تربیت. شماره ۳۱. میلر، جی پی (۱۳۸۳). نظریه‌های برنامه درسی. ترجمه محمود محمدی. تهران: انتشارات سمت. میرمحمدی، داوود (۱۳۸۳). گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران. تهران: مؤسسه مطالعات ملی. انتشارات تمدن ایرانی. وزارت آموزش و پرورش (۱۳۷۹). اهداف متوسطه. سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزش. دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی. وزارت آموزش و پرورش (۱۳۸۶). وضع مطلوب و موجود تربیت دینی و اخلاقی. انتشارات معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش.

حاجی خیاط، علیرضا (۱۳۸۰). تبیین ابعاد هویت. مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی مشهد. جلد دوم، شماره چهارم. خراسانی، مقدس (۱۳۸۰). درآمدی بر نگرش طرح‌های توسعه شهری به فضاهای فرهنگی. نشریه فرهنگ و پژوهش. شماره ۱۴۱. دارابی، جعفر (۱۳۸۶). بررسی هویت ملی، فردی و مذهبی در جوانان. www.put.com. داوری، رسول (۱۳۸۹). موانع مشارکت دانش‌آموزان دوره متوسطه در فعالیت‌های مدارس شهر تهران. برنامه ریزی درسی - دانش و پژوهش در علوم تربیتی. دانشگاه آزاد واحد خوراسگان. شماره ۲۷. رجایی، فرهنگ (۱۳۷۵). هویت و بحران هویت ایرانی. مجله جامعه سالم. شماره ۲۴. سازمان ملی جوانان (۱۳۸۶). گزیده نتایج پژوهش‌های هویت ملی، مذهبی و اوقات فراغت. انتشارات سازمان ملی جوانان. شارع پور، محمود (۱۳۸۳). جامعه شناسی آموزش و پرورش. تهران: انتشارات سمت. ستایش، حسن (۱۳۸۵). امور تربیتی: چرا حذف چرا احیاء. تهران: انتشارات سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزش و پرورش. سلطانی، ایرج (۱۳۸۱). نقش آموزش و پرورش در نهادینه کردن تفکر مشارکتی. فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش. دوره هشتم. شماره ۳۰ - ۲۹. سنجرى، پروین و سلیمی، قربانعلی (۱۳۸۵). مقایسه کیفیت آموزشی و پرورشی دبیرستان‌های غیر انتفاعی با دبیرستان‌های دولتی شهر اصفهان. برنامه ریزی درسی - دانش و پژوهش در علوم تربیتی. دانشگاه آزاد واحد خوراسگان. شماره دهم و یازدهم. شاه سنی، شهرزاد (۱۳۸۶). تبیین سازوکارهای مؤلفه‌های جامعه پذیری کتاب‌های علوم انسانی دوره ابتدایی در چارچوب تحلیل انتقادی گفت‌وگو. پایان‌نامه دکتری. دانشگاه شیراز. شمشیری، بابک و نوشادی، محمدرضا (۱۳۸۶). بررسی میزان برخورداری کتب فارسی، تاریخ و تعلیمات

هولستی، ال، آر (۱۳۷۳). تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی. ترجمه نادر سالارزاده امیری. انتشارات دانشکده علامه طباطبایی.

یوسفی، علی (۱۳۷۹). فرهنگ و هویت ایرانی: فرصت‌ها و چالش‌ها. فصلنامه مطالعات ملی. سال دوم، شماره چهارم.
Leebyung, jin (2002).education,and national identity

"Korea national university of education Paulsen,Rounele (1997)."Education social class and participation in collective action sociology of education. (www.noist.org)

,chung louk, republic of korea "

Miller, Beth (2002)."Hyperplan role in high school children". (www.scienc direct.com)

Pettit, G.S (1997). Pattern of after school care in high school: risk factors and developmental outcomes.(www.noist.org)